

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۳۰

بررسی چرایی نبرد شیر و گاو در قالیه‌های ایرانی با تکیه بر اسطوره‌ها و

متون ادبی

(ص ۲۲۰-۲۰۱)

فریده داوودی مقدّم (نویسنده مسئول)^۱، احمد فروزانفر^۲، زهرا عسگری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱

چکیده

قالیه‌های ایرانی، به عنوان مهمترین هنر بصری ایرانیان، مشحونند از طرح‌ها و نمادهایی که راز نقشینه-های خویش را از ساحت اسطوره، حماسه، دین، آیین و حتی عرفان وام میگیرند و در این میان، طرحهایی که حاوی صور جانورانی چون پرندگان و حیوانات میباشند بیشتر از سایر طرحها، معرف بهره‌گیری از ظرفیتهای اسطوره‌ای این نقوشند. گفتنی است که نمادهای اسطوره‌ای به طرق مختلف در نقوش قالیه‌های ایرانی بکار رفته‌اند که یکی از این کارکردهای اسطوره‌ای، نقش تقابل و نزاع مظاهر مختلف اساطیری است که نبرد شیر و گاو، یکی از این صحنه‌های تقابل و نزاع به شمار میرود. نزاع شیر و گاو از مناظر مختلفی چون: آیینی، حماسی، عرفانی و ... قابل تأمل و بررسی است که در این میان، با توجه به جمع‌بندی شواهد موجود، یافته‌های پژوهش بیشتر ناظر بر این مطلب بود که نزاع مورد بحث نزاعی است اسطوره‌ای که نمادهای بکار رفته در آن نیز، بیشتر معرف مظاهر ساده طبیعتند تا بیانگر سایر معانی و مفاهیم پیچیده آیینی و عرفانی. از اینرو، شیر و گاو با توجه به قدمت حضور خویش در دامن ادب و هنر ایرانی در حیطه نزاع مورد بحث، نشانگر جغرافیای ایران و معرف اقلیم نجد ایرانند که در آن شیر به عنوان نماد خورشید و تابستان و حتی خشکسالی، بیانگر تفوق و برتری گرما و کم‌آبی است بر گاو که نماد آب و باران و ماه به شمار میرود که هر دو اسطوره عاری از مفاهیم نیک و بد و خیر و شر میباشند و معرف نزاعی هستند که لازمه طبیعت و ادامه حیات بر روی زمین است.

کلمات کلیدی: هنر، اسطوره، قالیه‌های ایرانی، شیر، گاو.

^۱استاد یار دانشگاه شاهد fdavoudy@gmail.com

^۲استادیار دانشگاه شاهد

^۳کارشناس ارشد ادبیات مقاومت دانشگاه شاهد

مقدمه

اسطوره‌ها، عصارهٔ حیات یک ملتند که اگرچه آغازی مبهم و مه گرفته دارند، اما هرگز به پایان نمی‌رسند زیرا با حیات بشری در هم آمیخته و با تاریخ ممزوج شده‌اند و همانگونه که انکار وجود انسانهای نخستین در تاریخ حیات بشری، غیر قابل انکار است، اسطوره‌ها نیز از آنجاکه نخستین ابزار بشر برای بیان مکنونات و دانسته‌های او از محیط پیرامونش به شمار می‌رفته است، دارای ارزش علمی و قابل تأمل و بررسی است.

از همان روزگار، انسان مهجور از خط و کتاب، اهمیت بیان و حفظ این مظاهر را درک کرد و بر دل سخت سنگ‌های غار به تصویرگری پرداخت و بعدها با ظهور و بروز اسبابی دیگر، به بیانی هنرتر دست پیدا کرد و از آنجاییکه خویشتن را مقهور طبیعت پیرامونش میدید، با ذهن سادهٔ خویش در برابر ابهامات بیشمار خود از محیط، به نمادپردازی از پدیده‌های هستی پرداخت و هر آنچه را که در اقلیم خویش بدان دسترسی داشت را، نمایندهٔ نمادهای طبیعت قرار داد؛ از این‌روی اسطوره‌های یک ملت بیانگر زیستگاههای نخستین آنان نیز به شمار می‌رود. پس از این دوره و رشد خرد انسانی و بکارگیری از پدیده‌های هستی در مسیر ارضای نیازها، انسان به باوری تازه از خویشتن رسید و به این حقیقت دست پیدا کرد که او مقهور طبیعت نیست بلکه تمامی این مظاهر برای او و در خدمت او می‌باشند. از این‌روی در روایت دوم از تاریخ حیات خویش، به حماسه رسید، بیانی که در آن انسان را جایگزین الهه‌ها کرد و اگر پیش از آن خود را در برابر حیوانات، ضعیف میدید، با اهلی نمودن و به خدمت گرفتن آنها برای رفاه حیات خویش، به گوهر وجودی خویش پی برد و این بار، خود جایگزین الهه‌ها شد و عصارهٔ نیک یک ملت را در قالب یک قهرمان، بیان کرد و در این باب داد سخن داد و پس از آن، لایق دریافت ادیان آسمانی گردید و در نهایت به عرفان، غایت مسیر بشری رسید. اما در این میان، تمامی این عناصر اسطوره‌ای را حفظ کرد و در هر دوره‌ای با توجه به نیاز اجتماع و مخاطب، این اسطوره‌ها را بکار گرفت، تا جاییکه اسطوره‌ای کهن چون شیر با قدمتی چند هزار ساله، در حدود دویست سال پیش، نماد پرچم ایرانی قرار گرفت.

انسان از دوره‌های نخستین، برای حفظ این اسطوره‌ها، آنان را در قالب هنرهای بصری و محسوس به کار برد و گاه در کنار بیان و حفظ آن از راه خط و واژه، همزمان به نقش زدن خویش ادامه داد تا آنکه این نقوش در قلب هنر فاخر ایرانی آرام گرفت و مأوای اصیل خویش را باز یافت و در قاب قالبی ایرانی، با زبانی پر از نقش و رنگ و جوهر، بیانگر اصالت ملت کهن ایران گردید.

بیان مسأله

شیر و گاو، در حیات اسطوره‌ای ملتها و اقوام کهنی چون: ایران، هند و مصر عناصری مهم و تاثیر گذار به شمار می‌آیند که هر یک از این دو اسطوره در کسوتهای مختلف، در خدمت ذهن و قلم

انسانهای ادوار نخستین، ایفاگر نقشهای مختلفی بوده‌اند، تا جاییکه گاه خود به جای ایزدان و الهه‌ها بر سریر قدرت تکیه می‌زنند و گاه در خدمت خدایانند. اما آنچه در این باب، حائز اهمیت است، این است که در یک نگاه کلی، هر دو اسطوره از اسطوره‌های نیک اقوام یاد شده به شمار می‌روند و بیشتر متّصف به صفات خیر و اهورایی می‌باشند.

گفتنی است که جلوه‌های اساطیری و حماسی و حتی آیینی این دو اسطوره به نحوی در یکدیگر آمیخته شده‌اند که در هر سه دوره یاد شده امکان حضور یافته‌اند و حتی اسطوره شیر در دوره‌های اسلامی، نمادهای شخصیت‌های دینی گردیده و دارای کارکرد دینی و عرفانی نیز بوده است، ناگفته پیداست که در چنین نزاعی، گاو چه از لحاظ صفات بارز طبیعی و چه از لحاظ اسطوره‌ای، مقهور قدرت و شوکت شیر است. در اسطوره‌های کهن ایرانی، شیر و گاو هر دو حضور دارند که در این میان، تاثیر و حضور شیر در بیان هویت و نمادهای ملی ایرانی، نسبت به اسطوره گاو، از کارایی بیشتری برخوردار است. شیر پس از سیمرغ، محبوبترین نماد اسطوره‌ای آیین مهر در اسطوره‌ها و ادیان نخستین سرزمین کهن ایران است، هر چند گاو در نزد اقوام کهنی چون هند، از شهرت و قداست بیشتری برخوردار است، اما در ایران نیز دارای صفات نیک و اهورایی بوده و از دیرباز در نزد ایرانیان، محترم شمرده می‌شده است. اما با اینهمه در آثار هنری و باستانی ایران، اعمّ از کتیبه‌ها، سفالینه‌ها، گچ‌بریها و از همه مهمتر در قالبها، شاهد نزاع این دو اسطوره در مقابل یکدیگر هستیم که در پژوهش حاضر، به دنبال آنیم تا نخست با بیان ویژگیهای هر اسطوره و ارائه صورتهای نمادین شیر و گاو و استفاده از اسطوره‌ها و متون ادبی کلاسیک فارسی، چرایی این نزاع را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم که در این میان، با توجه به تعدّد این نقش بر پیکره آثار مختلف، نتایج این بررسی را بر روی قالبهای ایرانی محدود می‌کنیم.

سوالات تحقیق

سوال اصلی: به چه دلایلی دو اسطوره شیر و گاو در برابر یکدیگر به نزاع ایستاده‌اند؟
سوالات فرعی:

اسطوره‌های شیر و گاو در نزد ایرانیان، از چه نقشها و کارکردهایی برخوردار می‌باشند؟
در نقش نزاع شیر و گاو، دلایل چیرگی شیر بر گاو چیست؟

فرضیات تحقیق

- ۱- نزاع شیر و گاو براساس باورهای نخستین اسطوره‌ای شکل گرفته است.
- ۲- آیین و باورهای دینی در شکلگیری نزاع این دو نماد اسطوره‌ای دارای نقش و تاثیر است، زیرا شیر منتسب به آیین مهر و گاو نیز منتسب به آیین زرتشت است.
- ۳- جلوه‌های بارز طبیعت با توجه به اوصاف طبیعی دو جانور، سبب چیرگی شیر بر گاو است.

۴- این دو اسطوره، صرف نظر از کارکردهای دوره‌های بعد، در آغاز بدون بهره‌مندی از ظرفیتهای حماسی و آیینی در هیئت اسطوره‌ای خویش، بیانگر اقلیم ایران بوده و این نزاع، جنگ نیکان با نیکان است و مقهوری گاو نیز دلیل شکست او نیست، بلکه بیانگر نمادهای جغرافیایی ایران است.

شیوه انجام پژوهش

این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و با گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی و با استفاده از روش توصیف و تحلیل محتوا، تهیه شده است.

برای تفسیر چرایی این نزاع که بر قلب قالیه‌های ایرانی نقش بسته است، ناگزیر به استفاده از اسطوره‌های ایرانی و بعضاً هندی هستیم و در این راه، به منظور توصیفی کاملتر، از متون حماسی و ادبی و نیز اطلاعات نجومی و فلکی، بهره گرفته خواهد شد و در آغاز به معرفی شیر و گاو در ساحت اسطوره‌ها پرداخته و سپس به بیان معانی نمادین آن دو در حوزه آیین و متون ادبی و... میپردازیم و پس از ارائه اوصاف شیر و گاو، در نهایت به تحلیل چرایی نزاع میان آن دو خواهیم پرداخت.

ضرورت تحقیق

در دوره‌های نخستین آفرینش اسطوره، جانورانی که امروزه برای ما در حکم حیوانات پیرامونمان بشمار میروند دارای چنان تاثیر و اهمیتی بودند که بی اغراق، قهرمانان نخستین اسطوره‌های کهن به شمار میرفتند که علاوه بر به عهده گرفتن نمادهای طبیعت، گاه بر سریر الهه‌ها و حتی خدایان باستانی نیز تکیه زده‌اند و یاری رسان ذهن اسطوره ساز انسانهای نخستین زمین بودند که مفاهیم خویش را بیواسطه از طبیعت پیرامونشان اخذ میکردند که پس از خلق هنر، این اسطوره‌ها از ذهنها به دستها منتقل شدند و در دل نقوش مختلف جا خوش کرد که یکی از بسترهای این نقوش، بارزترین هنر محسوس ایرانی، یعنی قالیه‌های فاخری است که به تنهایی معرف هنر، قدرت و نبوغ ایرانی است و بسان شناسنامه‌ای مزین به اسطوره و حماسه، بیانگر هویت سرزمین و ملت ایرانی است. در این میان، شیر و گاو نیز جزو نمادهای مهم و پر تکرار در نقوش مختلف و متنوع ایرانی بشمار میروند؛ از این روی با توجه به این تاثیر و شکوه، بستر پژوهش مورد نظر بر روی قالیه‌های ایرانی پهن میشود، تا چرایی این نزاع در قالب فاخرترین هنر ایرانی، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

در حوزه عنوان پژوهش، کتاب، مقاله و یا پایان نامه‌ای بطور اختصاصی به بیان ابعاد همه جانبه نزاع شیر و گاو، نپرداخته است. اما با اینهمه، آثاری چند در ضمن فحوای کلام خویش به بیان طرح نزاع پرداخته‌اند که در ادامه به مهمترین این آثار، اشاره میشود. گفتنی است که برای تحلیل نهایی چرایی نزاع، از کتابها و مقالات بسیاری بهره گرفته شد که هریک به تنهایی به بیان اوصاف این دو اسطوره پرداخته بودند که در فهرست منابع و مآخذ به آنها اشاره شده است.

۱- مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی داستانهای شیر و گاو در کلیله و دمنه...» از حسام پور سعید، (۱۳۸۸)، مجله شعر پژوهی، ش ۱.

مقاله مذکور، با توجه به تشابهات فرهنگی و اسطوره‌ای ایران و هند، با نگاهی ساختاری به مقایسه داستانهای افراسیاب و سیاوش در شاهنامه و شیر و گاو در کلیله و دمنه میپردازد.

۲- مقاله‌ای نیز با عنوان «بازخوانی داستان شیر و گاو» از محمد زاده اسدا...، (۱۳۹۰)، مجله رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، ش ۹۸، با رویکردی آیینی، در بیان چرایی تقابل مذکور، به ارائه جلوه‌های اسطوره‌ای شیر و گاو پرداخته و در نهایت در تکمیل بحث خویش از اسطوره‌های تطبیقی چون «ادیپ» نیز بهره میگیرد و ژرف ساخت داستان را متأثر از تراژدیهای کهن میداند.

اهداف تحقیق

- ۱- بررسی و بیان چرایی نزاع شیر و گاو در نقوش ایرانی، خاصه قالیه‌ها
- ۲- شناخت کارکردها و ظرفیتهای اسطوره‌ای شیر و گاو در اساطیر و روایت‌های ایرانی
- ۳- بررسی و ارائه دلایل چیرگی شیر بر گاو در نقوش قالیه‌های ایرانی

مبانی نظری

مبانی نظری این تحقیق بر دو اصل استوار است، بحث اصلی نظری آن، مفهوم نماد است که ناگفته پیداست که اسطوره‌ها، نمادهای یک ملتند که با بررسی و تشریح این نمادها، میتوان اسطوره‌های کهن را بازخوانی کرد، از این روی نخست به نظریه «نماد شناسی» پرداخته و سپس در راستای شناخت مفهوم نزاع، به بیان «نظریه تقابل» خواهیم پرداخت.

نظریه نماد شناسی

« آنچه که نماد نامیده میشود، عبارت است از یک اصطلاح، یک نام یا تصویری که ممکن است نماینده شیئی یا مفهومی در زندگی روزانه باشد. به بیان دیگر؛ یک کلمه یا یک شکل، وقتی نماد است که به چیزی بیش از معنی آشکار و مستقیم خود دلالت کند. نمادها را میتوان به سه گونه تقسیم‌بندی کرد؛ گونه اول، نمادهای قراردادی است که در برگیرنده پذیرش ساده پیوندهای مداومی است که عاری از هر مبنای دیدنی یا طبیعی است. گونه دوم، نمادهای تصادفی است که برگرفته از وضعیتهای صرفاً موقتی و بر بنیاد ارتباطی است که از طریق تماسهای تصادفی، پدید آمده است و گونه سوم، نمادهای جهانی است که رابطه درونی میان نماد و آنچه را مینمایاند، برقرار میسازد.» (فرهنگ نمادها، ص: ۴۴).

بحث ما در این پژوهش، به تعریف نماد در گونه سوم، بیشتر مرتبط است. از اینرو؛ اگر هنر را تسهیل کننده فهم امور پیچیده و پر رمز و رازی چون اسطوره بدانیم، میتوان ملاحظه کرد که «هنرمند در اثرش، درست به شیوه رویا، آرزویی شخصی را به مدد نمادهای کلی، جهانی و قراردادی یا فردی، تحقق میبخشد.» (نماد پردازی، ص: ۳۶-۳۵). در مورد ارتباط نمادهای بکار

رفته در قالب‌های ایرانی، میتوان گفت که «نمادگرایی در فرش و قالی ایرانی، دارای جنبه‌های مختلفی است که از طرفی با فرهنگ باستانی ایرانیان در ارتباط است و از طرفی با تفکر دینی و اسلامی که در طول تاریخ با آن ادغام شده است». (بررسی نقش نمادین ترنج در فرش ایران، ص: ۱۱).

نظریه تقابل

«ساز و کار ذهن بشر همواره در پی ساختاری است تا براساس تقابلهای و شباهتها عمل کند». (بررسی ساختار تقابل رستم و اسفندیار در شاهنامه، ص: ۶۲). تعریف اصطلاح تقابل به سادگی امکانپذیر نیست، زیرا معادلهایی چون نزاع، تضاد، دوگانگی و دشمنی در برابر آن پیشنهاد شده‌اند. زیمل «تقابل در گروه اجتماعی و کل جامعه را ناشی از نفرت، حسد و رشک و مطلوبیت میداند، این تقابل، برای حل و رفع انواع دوگانگیها در جهت دستیابی به وحدت طراحی شده است». (نظریه‌های جامعه‌شناسی، ص: ۸۹-۸۵). تقابل در تمامی مفاهیم زندگی در جریان است، بخصوص در طبیعت و طبع آدمی؛ مانند شب و روز، گرمی و سردی و ... که الزاماً این تقابلهای به تراحم و تنازع نمیکشد، زیرا تمامی این اضداد برای رسیدن به وحدتی که لازمه بقای طبیعت است گام بر میدارند، که نیاز نیست هریک دیگری را مقهور کرده تا ادامه حیات دهند، بلکه در کنار یکدیگر به صورت مقطعی، جاری و ساریند. اما ذهن اسطوره ساز انسان است که بسته به ویژگیهای هر یک از اضداد، به نمادپردازی پرداخته و در تلقی احساسی خود از طبیعت و پیرامونش، به روزمرگیهای طبیعت نقش داده و هر آنچه را که سبب حیات بخشی او و طبیعتی است که ادامه زندگیش بسته به دوام آن است را یکسره، نمادهای نیک دانسته و این مفاهیم ساده را در قالب اسطوره‌ها، نشان دار ساخته است.

مطالعات و بررسیها

سیمای شیر در اسطوره‌ها

برخی از موجودات اساطیری نظیر شیر، عقاب، گاو، مار و ... خود در عالم طبیعت دارای صورت و ما بزاء خارجی میباشند که گاه خود این جانور، بدلیل صفات بارزی از شکوه و مهابت، یکسره وارد عرصه اسطوره میشود و گاه برای برجسته نمودن نقش اسطوره‌ای خود، به صفاتی آراسته میگردد که بالواقع در طبیعت، فاقد آن میباشد، نظیر تصوّر بال و پر برای اسب، مار و ...

در این میان، شیر از جمله جانورانی است که به سبب آنکه از دیر باز در صحنه طبیعت، دارای چونان قدرت و شکوهی است که بدون افزودن صفاتی نو، دارای صفاتی اسطوره‌ای و بی‌مانندی است که در دنیای حقیقی نیز بدان متّصف است. «پیشینه حضور شیر در روایتهای اسطوره‌ای و آثار باستانی ایرانی، به سه هزار سال پیش میرسد». (شناخت نمونه‌هایی از فرش ایران، ص: ۲۱) و از روزگاران نخستین در کنار اسطوره‌های محبوب و اصیل ایرانی چون، سیمرغ، اسب و عقاب، نماد سرزمین کهن

ایران، معرف آیینهای کهن ایرانی، نشان سلطنتی پادشاهان و بیانگر اقلیم و روحیه جنگاوری آریایی تباران بوده است. «این نقش در در عصر هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان، به صورت نماد سلطنتی درآمده و نشان از قدرت و عظمت است که بر تخت جمشید، ظروف و منسوجات و سکه‌های ایران باستان نقش بسته است و با ورود اسلام به ایران نیز خاصه در دوره سلجوقیان و آل بویه به حیات خود ادامه داد.» (تجلی نقش مایه شیر در قالیه‌های دوره صفوی، ص: ۴). که در میان تمامی بسترهای کارکردی نقش شیر، استفاده از آن در قالیه‌های ایرانی از ارزش و اهمیتی دیگر برخوردار است، زیرا ایران در عرصه هنر در محیط بین الملل با قالی و فرش شناخته میشود و بطور یقین نقوش بکار رفته در آن نیز، از باب تزیین و آرایش نیست بلکه در نهان هر نقش و گره، اسطوره ای کهن آرمیده است و از آنجاییکه در بهترین کاغذ، بهترین و زیباترین واژه‌ها و در عین حال خوش‌خطترین آنها ترسیم میشود، در مورد نقوش قالی ایرانی نیز این حکم، صدق میکند که مهمترین نمادهای اسطوره‌ای ایرانی در نقوش این قالیه‌ها جای گرفته‌اند. اما با اینهمه، حضور شیر در قلب قالیه‌های ایرانی، غایت حضور او در نمادهای ایرانی نیست زیرا در دوره قاجار، شیر به فاخرترین و والاترین کارکرد خود در نزد ایرانیان دست پیدا میکند و در کنار خورشید، نماد پرچم و هویت ایرانی میگردد.

شیر با تمامی شکوه و قدرت خویش در عالم طبیعت نیز نمادی است از یک شکارچی غالب و قهار، از اینرو در عالم اسطوره نیز با توجه به تأویلهای اسطوره‌ای خویش، از نزاع آن با سایر موجودات اسطوره‌ای سخن به میان رفته است که بالطبع این مفاهیم در نقوش بکار رفته از شیر نیز تجلی یافته است و در نقوش مختلف از جمله در تخت جمشید، شاهد نزاع شیر و گاو هستیم که نشان از قدمت نزاع میان این دو اسطوره کهن است.

معانی نمادین شیر در روایت‌های اسطوره‌ای ایران

شیر با توجه به ویژگیهای طبیعی چون، قدرت، شجاعت و شکوه ظاهری از دیرباز کانون توجه آدمیان بوده است و تعمیم شخصیت شیر به سلطان جنگل و پادشاه حیوانات نیز از این مفاهیم کهن سرچشمه میگیرد و از این نظر به انسان شبیه است زیرا همانطور که انسان سرآمد موجودات و مخلوقات زمین است، شیر نیز سرآمد سایر حیوانات و جانوران تلقی میشود. «شیر از دوره‌های کهن، مظهر مهر و روشنائی» (از اسطوره تا تاریخ، ص: ۱۸۰) و از سوی دیگر، «نشان قدرت، حرارت، سوزندگی و نماد ستاره هرمز (مشتري) و نمایه آتش و خشکی و از سویی دیگر، نماد پاکی، دلیری و آمادگی برای جانبازیه‌های آرمانی است.» (مهره مهر، ص: ۱۳۸ و ۵۲۷).

علاوه بر معانی نمادینی که مستقیماً با ویژگیهای شیر در عالم طبیعت ارتباط دارد، این اسطوره دارای کارکردهای نمادین دیگری نیز میباشد که از معانی دیگر نمادین این حیوان، میتوان به «آتش، ابهت، پارسایی، پرتو خورشید، پیروزی، تابستان، دلاوری، روح زندگی، سبعت، سلطان جانوران، سلطنت، شجاعت، عقل، غرور، فکر، قدرت، قدرت الهی، قدرت نفس، گرمای خورشید، مراقبت، مواظبت و

نیروهای آبر انسانی اشاره کرد». (درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، ص: ۷۴).

با اینهمه، مهمترین نمادی که شیر بدان متصف است، نماد مهری آن در آیین میتره و یا مهر پرستی است که از کارکرد آیینی شیر در ساحت اسطوره‌ای خویش، حکایت میکند.

سیمای شیر در آئینهای کهن ایرانی

شیر به سبب هیبت ذاتی و شکوه و مهابت ظاهری، از دیرباز نماینده ایزدان و الهه‌های کهن ایرانی به شمار میرفته است. «در اجتماعات آریایی، شیر مظهر ایزد مهر بوده و چون مهر خود سمبل آریاییان کهن بوده است، ملل آن روزی جهان هم، شیر را شاخص و نشان آریاییها میدانسته‌اند که بعدها علامت پادشاهان ایران شد». (شیر و نقش آن در معتقدات آریایی، ص: ۱۱۶).

علاوه بر آنکه شیر نماد تبار هر ایرانی بوده است بعدها بطور اخص، نماینده بهترین مردم آن روزگار یعنی شاهان میگردد در حالی که دربردارنده این معنی لطیف بود که هر ایرانی خود به تنهایی شاخص و نماد شجاعت و دلاوری است. با اینهمه در آئینهای باستانی ایرانی، شیر همواره حضور داشته است که بسته به نوع آن آیین دارای نقشهای مختلفی است که با وجود تفاوت نقشها، تمامی آنها بیانگر صفاتی نیک و اهورایی است. شیر در آیین کهن مهر که قدمتی طولانیتر از زرتشت دارد، دارای اوصاف برجسته‌تری است و «در نزد مادها و پارسیها، جلوه‌ای از میترا یا مهر بوده است اما پس از ظهور آیین زرتشتی در نزد ایرانیان و پس از اهورامزدا، گرامیترین فرشته بشمار میرفته است». (تخت جمشید از نگاهی دیگر، ص: ۱۵۷).

اسطوره شیر در آیین مهر پرستی

ستودن پادشاهان و پهلوانان به اوصاف شیر و تشبیه خدایان و الهه‌ها به آن، همگی از محبوبیت شیر در نزد ایرانیان حکایت دارد و در این میان از نکات بسیار بارز در آیین مهری، «تعمیم و تشبیه موجودات زمینی به خورشید و در نهایت، به مهر یا میتراست. نمونه آشکار این جلوه، پرندگانند اما از دیگر جلوه‌های مهر یا میترا در زمین، شیر است. بال این جانور به پرتوهای خورشید شباهت دارد و اهمیت و قداست شیر در باورهای مردمی نیز، از ارتباط این حیوان با خورشید ناشی شده است». (بازخوانی داستان شیر و گاو، ص: ۲۹).

پس از سیمرغ که در نمادهای مهری، گاه پا را فراتر گذاشته و خود نماینده خداوند مهر میگردد، شیر نیز در مرتبه پایینتری از آن، دارای ارزش و اعتباری عظیم است و از همان آغاز در مکانها و معابد منتسب به مهرپرستی حضور و تأثیری چشمگیر دارد. «در مهرآبه‌ها، شیرمردان دستهای میترا به شمار می‌آمدند که وقتی خال چلیبا بر پیشانی یا دستانشان نقش میشد، این اجازه را می‌یافتند که دشمنان میترا و پیمان شکنان را با آذرخش خود، مجازات کنند». (مهره مهر، ص: ۵۲۷).

اسطوره شیر در آیین مهرپرستی تنها در نقش و نگار، خلاصه نمی‌گردد، بلکه در عرفان مهری نیز حضور دارد تا جاییکه «صفت شیردوش را که ویژه ایزدان و ایزد بانوان بوده و از والاترین مقامها در هفت مرحله سیر و سلوک آیین مهر محسوب می‌شده است را با استفاده از عنصر شیر وصف و ستایش می‌کردند» (همان ص: ۱۳۸). علاوه بر این نوع از گرامیداشت مقام شیر، در مراتب عرفانی متصور در آیین مهری نیز، شیر حضور دارد و «در مراحل هفتگانه سیر و سلوک آیین مهرپرستان، شیر در مرحله سوم، گویای عنصر آتش است» (شیر و نقش آن در معتقدات آریایی، ص: ۱۱۱).

سیمای گاو در اسطوره‌ها

در اسطوره‌های ایرانی، گاو دارای چهره‌ای دوگانه است که جنبه‌های نیک و اهورایی آن به جنبه‌های منفعلانه‌ای که برخاسته از ضعف ذاتی او در ساحت طبیعت است، چیرگی دارد. ویژگی‌های مختلفی از گاو در روایات اساطیری، حماسی، نمادهای آیینی و کاربردهای ادبی آن وجود دارد و میتوان اینگونه گفت که هویت اسطوره‌ای گاو به تنهایی، اسطوره‌ای است سرشار از مضامین حماسی و قهرمانی، اما هنگامیکه از این اسطوره در مقابل اساطیر اصیل و محبوبی چون شیر، سخن به میان می‌آید ظرفیتهای اسطوره‌ای آن به بوته آزمایش کشیده می‌شود.

در اسطوره‌های آفرینش که هر ملّیت با توجه به ویژگیهای خود، آنها را خلق و حفظ کرده است، سخن از نخستین‌هاست، نخستین ایزد، نخستین انسان و نیز نخستین حیوان. به اعتقاد ایرانیان باستان، «نخستین حیوان جهان گاو یکتا آفریده رنگش سفید و مثل ماه تابان بود» (اسطوره‌های ایرانی، ص: ۱۱). به اعتقاد آنها، این گاو در «پنجمین مرحله از آفرینش که مرحله خلقت حیوانات بوده، بوجود آمده است که تخم کلیه چهارپایان و حتی برخی گیاهان سودمند را با خود داشت و این گاو که تنها مخلوق زنده در روی زمین به شمار میرفت حیوانی بود زیبا و نیرومند» (شیر و نقش آن در معتقدات آریایی، ص: ۱۰۸). اسطوره‌های آغازین گاو حتی با اسطوره نخستین انسان نیز پیوند خورده است، چنانچه «کیومرث شخصیت اسطوره‌ای ایرانی، معنای گاو را در نام خود همراه دارد» (آفرینش خدایان راز داستانهای اوستایی، ص: ۸۱۱).

در ساحت اسطوره‌های نخستین، چنان از تاثیر گاو بر زایایی زمین سخن به میان رفته است که علاوه بر اشاره به اوصاف طبیعی گاو در دنیای حقیقی، از یکسانی خدایان در اقوام کهن نیز حکایت میکند که بعدها با گستردگی جوامع و معنا گرفتن هویت مرز و جغرافیا، با توجه به ویژگیهای بارز هر قوم، اسطوره‌هایی نو و مختص آفریده شد و زمینه‌های جدایی اسطوره‌های یکسان فراهم گردید که در این میان، گاو در نزد هندیان به حیات اسطوره‌ای فاخر خود ادامه داد و اما در ایران تحت تاثیر آئینهایی چون مهرپرستی در مرتبه‌های بعدی از اهمیت و تاثیر قرار گرفت.

معانی نمادین گاو

گاو در نزد ایرانیان اسطوره‌ای کهن است و از آنجایی که اسطوره‌های کهن که مربوط به دوره‌های نخستین بشری است علاوه بر آنکه در ظاهر، از ساختاری ساده برخوردار است و بیواسطه از مظاهر زمین اقتباس شده است، خود نشان از قدمت این اسطوره نیز دارد؛ زیرا انسانی که نخست خویشتن را نمیشناخت، زمین را مهد اسطوره‌های خویش ساخت و با بهت و حیرتی شگرف، به اسطوره‌پردازی از این مظاهر طبیعی پرداخت و آنگاه که زمین را به سخره خویش گرفت، نگاهش معطوف به آسمان شد که در این میان، پرندگان با پرواز سحرانگیز خویش در آسمان، مخاطب ذهن اسطوره ساز انسان قرار گرفتند که از اینرو، میتوان چنین نتیجه گرفت که اسطوره گاو در نزد ایرانیان در مقایسه با اسطوره‌هایی چون سیمرغ، دارای قدمت بیشتری است، اما با اینهمه، گاو زمینی نماد مظاهر آسمانی نیز میباشد و انسان مبهوت در برابر طراوت باران و روشنایی ماه، گاو را دستمایه شناخت آنها قرار داده است که در این میان، مفاهیمی چون باران و ماه از مهمترین کارکردهای نمادین گاو در اسطوره‌های ایرانی است. «گاو در اساطیر ایران نماد ماه است، بطوریکه در ایران باستان شاخ گاو ماده علامت عقل، خورشید یا ماه بوده است. در نخستین اسطوره آفرینش ایران، گاوی سفید رنگ است که پس از جنگ با اهریمن به ماه می‌رود تا پاکیزه گردد. بطوریکه شاخهای گاو که همانند هلال ماه است، خود اشاره‌ای بر نمادینه بودن ماه در این حیوان دارد». (بررسی تطبیقی نقش گاو در اساطیر و هنر ایران و هند، ص: ۱۲۳).

علاوه بر نماد ماه، گاو «سمبل آب، باران و طوفان است. در یک سرود روحانی ایران باستان، از آن به عنوان منبع وفور و عامل تمام خوبیها نام برده شده است» (همان ص: ۱۱۵). علاوه بر نمادهای باستانی گاو در زمینه آب و باران، شاهد ارتباط آن با تیشتر و آناهیتا به عنوان الهه‌های آب و باران هستیم که گاو نمادی اسطوره‌ای است در خدمت این الهه‌ها. «بهرام ۱۰ تجسم دارد که یک تجسم او گاو نر زرد گوش‌زین شاخ است که به شکل‌های تیشتر شباهت دارد» (شناخت اساطیر ایران، ص: ۴۲-۴۱). علاوه بر این، یکی از مظاهر تیشتر، گاو است که «ایزد باران نیز گاه به صورت گاو تجلی میکند». (مفاهیم نمادین مهر و ماه در سفالینه‌های پیش از تاریخ، ص: ۲۵). سایر معانی نمادین گاو عبارتند از «نماد زمین». (شناخت اساطیر ایران، ص: ۴۵۷). در برخی اسطوره‌ها نیز، گاو «نشان زمستان است». (بررسی تطبیقی اسطوره گاو در اساطیر ملل مختلف، ص: ۴۲).

گاو در ساحت آئینها

گاو در آئینهای کهن ایران چون مهرپرستی و زرتشتی، دارای نقش و تاثیر فراوان است و بعدها در دوره‌های اسلامی و با ظهور عرفان اسلامی، کارکردهای متفاوتی پیدا کرد.

گاو در آیین مهرپرستی

در آیین مهرپرستی، با توجه به آنکه گاو منتسب به زمین و آب و باران است، در مصاف مهر و خورشید و آسمان، دارای ارج و قربی مهین نیست، اما با اینهمه دارای صفات بارز و برجسته‌ای است که بیشتر در خدمت نمادهای مهری است و همانطور که پیشتر اشاره شد، گاو به تنهایی نماد نیکی است که در مقایسه با سایر اسطوره‌های ایرانی، دارای ارج و قرب فراوانی نیست. در آیین مهری، بارها به قربانی کردن گاو اشاره شده است.

با اینهمه، نمیتوان نقش مهم گاو را در تربیت فریدون به عنوان بنیانگذار مهرگان در ایران نادیده گرفت، از اینرو گاو در توسعه و تثبیت آیین مهرپرستی دارای تاثیری حیاتی است. تا جاییکه «نام اجداد فریدون با نام گاو آمیخته شده است و برخی از پژوهشگران، گاو را توتم دودمان فریدون میدانند» (همان ص: ۳۲).

سیمای گاو در آیین زرتشت

گاو در ساحت دو آیین مهرپرستی و زرتشتی، دارای نقشهای متفاوتی است و در این میان، در آیین زرتشت دارای ارج و قربی والاتر است که میتواند برخاسته از حمایتی باشد که در این آیین در قبال مظلومان صورت میگیرد و چون آیین مهرپرستی به حیات اسطوره‌ای انسان نزدیکتر است ستایشگر قدرت و توانایی نمادها بشمار میرود اما در دوره‌های بعدی، موجودات ضعیف منکوب و تحقیر نمیشوند بلکه مورد حمایت قرار میگیرند. مانند حیات حماسی ایران که در آن پهلوانان و شاهان در خدمت مردم و مدافع آنان به شمار میروند. از اینرو، در آیین زرتشتی از گاو حمایت و پشتیبانی میشود. زیرا «یکی از رفتارهای زشت و ناپسندی که قبل از ظهور زرتشت وجود داشته است، کشتن حیوانات و چهارپایان مفید به طرز وحشیانه بوده است. زرتشت با این کار، سخت مبارزه کرد و در گاتها می‌بینیم که به کسانی که گاو را با فریاد و شادمانی قربانی میکنند نفرین فرستاده میشود و در هات ۳۳، به کسی که با کوشش، از گاوان پرستاری میکند نوید داده میشود که روزی در بوستان اشا (بهشت) به سر خواهد برد» (اساطیر و فرهنگ ایران، ص: ۵۹۹).

علاوه بر متن صریح اوستا، در متون پهلوی چون زاد اسپرم نیز، از اهمیت گاو سخن به میان رفته است و در آن، سخن از «گاو است به نام مرزیاب، که اهورامزدا برای پایان دادن جنگ، گاوی بزرگ آفرید که مرز ایران و توران بر پشت آن پیدا بود و در بیشه‌ای نگهداری میشد و در هنگام جنگ بوسیله آن گاو، مرزها شناخته میشد» (تاریخ ادبیات در ایران، ص: ۵۰۴).

گفتنی است که قبل از ظهور زرتشت، شاهان و پهلوانان بر آیین مهر بودند چنانچه از داستانهای شاهنامه نیز چنین برمیآید که پیش از ظهور زرتشت و به تخت نشینی گشتاسبیان، میان پهلوانان و شاهان، سایش و اختلافی بر سر موضوع آیین و دین مشاهده نمیشود که این مساله، از اشتراک آیینی میان این دو گروه حکایت دارد. اما پس از زوال خاندان کیانیان، شاهد رویارویی پهلوانان و شاهان

ایرانی در مصاف یکدیگریم که بهانه این کارزار، دین گستری شاهان ایرانی است و از اینرو، کیکاووس نیز منتسب به آیین مهری است که «بنابر روایات کهن، یکی از اعمال جابرانه کاووس کشتن گاو است که حافظ مرز ایران و توران بود» (همان). اما این رفتاری که منتسب به کم خردترین شاه ایرانی است توجیهی بر دشمنی آیین مهر با نمادهای زرتشتی نیست و با توجه به آنکه در آیین مهری گاو قربانی میشود، این موضوع نیز، مهر تاییدی بر این دشمنی نیست، زیرا به گفته زاد اسپرم، «گاو هدایوش، گاو است که در آخر الزمان در مراسم سوشیانس و یارانش کشته میشود و از آن خوراک بیمرگی تهیه میکنند و به مردم میدهند و همه مردم جاویدان میشوند» (اساطیر و فرهنگ ایران، عقیفی ص: ۶۰۲-۶۰۱).

نشانه اشتراک مهر پرستی و زرتشتیگری نیز در این است که اهریمن دشمن مشترک این دو آیین است و چنانچه در ساحت مهرپرستی، سیمرغ در مصاف با اژدها- بارزترین نماد اهریمن- ظاهر میشود و بنا به روایات و اساطیر زرتشتی نیز، «اهریمن، گاو نخستین را که از دست راست اورمزد آفریده است، نابود ساخت» (فرهنگ نامه جانوران در ادب فارسی، ج ۲ ص: ۶۴۸) در شاهنامه نیز، ضحاک یا اژدهای دهاک که نماد اهریمن است گاو برمایه در داستان فریدون را میکشد از اینرو در نزاع مهر و گاو، با کشته شدن آن به دست زاده اهریمن، اتهام اهریمنی بودن گاو رد میشود و گاو در ردیف نمادهای مهری چون سیمرغ و شیر، خود دشمن اهریمن است، لذا از این روایات چنین بر میآید که بیشک در نزد ایرانیان، اهریمن، مار و اژدها نمادهای شوم و شیطانی هستند اما در مورد نمادهای مهری و زرتشتی، به یقین نمیتوان چنین حکمی صادر کرد.

سیمای گاو در عرفان اسلامی

در عرفان اسلامی نیز، گاو نماد محبوبی نیست بر خلاف شیر که به عنوان نمادی باستانی، پس از ورود اسلام به ایران نیز به حیات پر افتخار خویش ادامه میدهد، گاو در عرفان اسلامی نمادی از نفس است که از اینرو «کشتن گاو نمادی از رهایی آدمی از مهالک نفسانی و پیوستن به حق و ملکوت است. در این تقابل، انسان کامل به شیر و نفس اماره به گاو تشبیه شده است. چنانچه مولانا، شیر را نماد انسان کامل میداند» (تجلی نقش مایه شیر در قالیهای دوره صفوی، ص: ۱۴).

نقش گرفت و گیر شیر و گاو در پهنه قالیها

ظرفیتهای اسطوره‌ای که از شیر و گاو بیان شد، سبب تقابل این دو موجود در مصاف یکدیگر شده است که این رویارویی از دیرباز بر هنرهای بصری و اصیل ایرانی تاثیر نهاده و به گونه‌های مختلف بر آن متجلی شده‌اند که نشان این تقابل را در گچ بریها، دیوار نوشته‌های تخت جمشید و در نهایت در قالیها، میتوان به نظاره نشست. «نقش حمله شیر به گاو از پشت سر را به کرات در هنر ایرانی شاهد هستیم که در این گرفت و گیر، شیر کمر گاو را به دندان گرفته و پنجه را در پشت حیوان فرو برده

است. عده‌ای آن را جدال نیکی و بدی یا خیر و شر میدانند، در حالی که هیچکدام از این دو موجود، اهریمنی نیستند» (همان ص: ۹).

تحلیل چرائی نزاع شیر و گاو

نخست فرضیات چرائی این نزاع با شواهدی ارائه میشود که از متون باستانی، حماسی، دینی، ادبی و ... بر میآید و سپس با توجه به اصل بسامد و نگاهی کلی، به تحلیل دلیل اصلی این روایت‌روایی خواهیم پرداخت.

نزاع آیینی

گاو منتسب به زرتشت و شیر منتسب به مهر است. به موجب افسانه‌ها و روایات اساطیری موجود، «چون مهر متولد شد با خورشید زورآزمایی کرد و با آن پیمان دوستی و مودت بست سپس به گاو نخستین حمله برد و هنگامیکه حیوان رعب‌آور در کوهساری به چرا مشغول بود شاخش را به چنگ گرفت و بر پشتش سوار شد و سرانجام گاو نخستین که بر اثر کوشش بی‌حاصل خود، خسته و کوفته شده بود مجبور به تسلیم گردید و به دست مهر کشته شد و چون گاو نخستین کشته شد، روح آن به آسمان رفت و از مهر به اهورامزدا شکایت برد» (شیر و نقش آن در معتقدات آریایی، ص: ۱۰۹ - ۱۰۸).

گفتنی است در این پژوهش مهر را نه مخلوق اهورامزدا، بلکه خدای مقدم بر آن از نظر تاریخی به شمار می‌آوریم که با ظهور زرتشت، از مقام خدایی خویش به مقام یک فرشته تنزل یافته است اما در این روایات، گاو قبل از مهر متولد شده است و نخستین نزاع آنان نیز، نزاع مستقیم گاو با خود مهر است که بعدها این نزاع در قالب قالیه‌های ایرانی به نزاع گاو با نماد مهری چون شیر محدود شده است. در این روایت، گاو مقدم است بر تولد مهر، اما سپس با مظلومیتی تمام مقهور او میگردد و نوع حمله مهر نیز دقیقاً بسان شکار شیر است. با اینهمه، در این نزاع، آیینها با یکدیگر در نزاع نیستند بلکه نمادهای یک آیین با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. زیرا پیش از تولد مهر، گاو نماینده آیینی جدا نیست بلکه تنها مقدم بر مهر است و مهر برای تثبیت پایه‌های خود و افزودن ارزشهای خود، این گاو را میکشد، چون خود مهر در مرتبت بعدی اهورامزدا قرار دارد از این روی به جبران این تنزل مقام، گاو را که منتسب به اهورا مزدا است از بین میبرد و بعدها، کم کم به جای مهر، شیر جایگزین این نزاع میشود.

اما در دوره فریدون اهمیت و تاثیر گاو در پروردن فریدون، فرضیه نزاع آیینی را منتفی می‌سازد زیرا فریدون خود، از چهره‌های شاخص در آیین مهری است. پس با توجه اهمیت گاو در منبع متقنی چون شاهنامه که در آن فردوسی نه طرفدار آیین مهری است و نه زرتشتی، فرضیه تقابل آیینی در مورد شیر و گاو منتفی است زیرا اسطوره گاو منتسب به اهریمن نبوده، بلکه منتسب به آیین زرتشت

است و از آنجاییکه جوهرهٔ ادیان بر اشتراک بنا نهاده شده است، از این‌روی در این نبرد، نمیتوان از نبردی دیرین و کین خواهانه، سراغی گرفت.

گفتنی است که شیر نیز با حفظ نسبی جایگاه خود در آیینهای بعدی، فراز و فرودهایی را تجربه میکند و در سریر ایرانی، فرمانروایی مطلق نیست زیرا «پس از ظهور زرتشت، مهر به پشت صحنه رانده شد و در دورهٔ پادشاهی شاهنشاهان اولیهٔ هخامنشی، هیچ اسمی از مهر و آناهیتا در سنگ نبشته‌ها نیست که به سبب نفوذ مذهب زرتشتی است و شاید نقش مهر داریوش و بعضی مهرهای دیگر که نشان میدهد شاه، شیری را شکار میکند بهمین خاطر و برای تقویت مذهب زرتشت بوده باشد. اما با اینهمه، فراوانی نقش و مجسمهٔ شیر در این سالها نشان میدهد که اعتقاد باطنی مردم و پادشاهان هنوز باقی بوده است، چنانکه خشایارشا برای مهر، مراسم قربانی بر پا میدارد» (همان ص: ۱۱۶-۱۱۵).

در حماسه‌های شاهنامه نیز، گاو در آیین مهری دارای ارزش است مانند شیری که هنوز در نزد پادشاهان زرتشتی ساسانی مورد احترام است پس در سیرت پرستش، این دو آیین در موازات یکدیگر و بنا به استعداد و حوصلهٔ مخاطب در سیری معنادار ظهور میکنند که در آیین مهری، با توجه به مخاطبان نخستین تعالیم دینی در باورهای اسطوره‌ای به منصفهٔ ظهور میرسند و سپس با توجه به سطح رشد آگاهی مخاطب و تغییرات اجتماعی و فرهنگی، کم کم از ظرفیتهای اسطوره‌ای تهی شده و زمینه را برای بحث منطقی و فلسفی صریح و روشن آماده میسازند. زیرا فریدون به عنوان نخستین پادشاه مهر پرور و مهر پرست، حیات خویش را از گاو وام میگیرد پس چگونه میتوان بدون توجه به این تاثیر در تثبیت پایه‌های مهرپرستی، گاو را نمادی غیر مهری و در نزاع با آن دانست حال آنکه برای تفسیر این نزاع باید یک گام از آیین به عقب نهاد و به حماسه رسید و حتی از حماسه هم چشم پوشی کرد و به اسطوره رسید آنگاه میتوان چرایی این نزاع را در نمادهای طبیعت جست و جو کرد.

مراسم قربانی کردن گاو در آیین مهری

«در معابد مهرپرستی، حجاریها و مجسمه‌هایی است که نشان میدهد مهر، گاو اهورامزدا را میکشد» (همان ص: ۱۰۹). کشتن گاو در مراسم مهری نیز، دلیل نزاع آیینی مهرپرستی با گاو نیست. بلکه «انگیزهٔ اصلی مراسم قربانی گاو در آیین میترا، که آغاز بهار است، بر این پایه استوار است که بر اثر کشته شدن گاو، خونس بر زمین جریان پیدا میکند و بر اثر آن گیاهان میرویند و جانوران پدید میایند. چون میترا گاو را میکشد، معجزهٔ تکوین به وقوع میپیوندد و از بدنش خوشه‌های گندم و درخت تاک و انواع گیاهان بیرون میاید و غلبهٔ شیر بر گاو، اشاره به سپری شدن زمستان (شیر) است» (بررسی تطبیقی اسطورهٔ گاو در اساطیر ملل مختلف، ص: ۴۲-۴۱). که همین قربانی کردن گاو در فصل بهار نشان از نقش پررنگ آن در طبیعت دارد.

تنها موجودات بد سیرت، گاو را قربانی نمیکنند زیرا درست است که در روایاتی، اهریمن گاو را میکشد اما در دوره‌های بعد شاهد قربانی شدن گاو توسط آیین مهر و حتی در آخر الزمان خود سوشیانت، به عنوان موعود زرتشت، گاو را قربانی میکند. پس کشتن گاو در مهرپرستی دلیلی بر اقامه نزع آیینی نیست زیرا در خود آیین زرتشت نیز، گاو کشته میشود پس از این راه نمیشود دنبال دشمن مشترک گشت. پس این موضوع را میتوان اینگونه تفسیر کرد که گاو دارای دو فایده است هم در جهان مادی و هم بعد از مرگ، اهریمن او را میکشد تا تاثیر مادیش را از او بگیرد و مهر و سوشیانت نیز او را قربانی میکنند تا به او جاودانگی بخشند. گاو با قربانی شدنش به جاودانگی میرسد نه به هلاکت. پس در سرشت خویش دارای داروی جاودانگی هست و در واقع نمیمیرد و در وجود انسان به حیات خویش ادامه میدهد. چنانچه در عالم طبیعت نیز گاو یکسره دارای فواید است و هیچ عضوی از او دور ریختنی و بی فایده نیست. فایده گاو در کشتن تمام نمیشود و از اینروست که کشتنش قربانی نام میگیرد و مردار نمیشود و به مصرف میرسد.

لازم به ذکر است که با توجه به تاثیر گاو ماده در زایایی و شیر دهی، «در آیین مهرپرستی ایران، میترا گاو نر را میکشد». (شناخت اساطیر ایران، ص: ۵۲۱). که اینهمه دقت و ظرافت در قربانی کردن گاو، فرضیه نزع آیینی را بیش از پیش منتفی میسازد.

نماد قدرت و عجز

شیر نماینده قهر و قدرت طبیعی است که هرگز رام پذیر دست انسان نگشت. «در دوره هخامنشی، مبارزه شاه با شیر، به مثابه قدرت شاهی در نقش برجسته‌ها و مهرها حک شده، در زمان ساسانیان، شکار شیر و مبارزه با آن به عنوان یکی از مظاهر قدرت و زورمندی پادشاهان محسوب میشده است». (معانی نمادین شیر در هنر ایران، ص: ۹۸). اما گاو به عنوان موجودی اهلی در خدمت انسان، به عنوان حیوانی باربری است که البته در حکم غذای انسان نیز بشمار میرود و از اینرو ناگفته پیداست که در مقایسه با شیر، نماد عجز و ستم کشی است.

نمادهای فلکی

گاو صورت فلکی اردیبهشت و ماه رومی نیشان است که فصل سلطنت باران بر خورشید و خشکی است و در هوایی معتدل، سراسر زمین مقهور تاثیر باران، پر است از سبزه و گل و در مقایسه با شیر که صورت فلکی ماه مرداد است و اوج سلطنت آفتاب.

نمادهای نجومی

همانطور که پیشتر اشاره شد، گاو نماد بهرام و شیر نماد مشتری است. «در آئین آریائیها، بهرام فرشته و مظهر شجاعت و دلاوری و پیروزی در صورتهای یازده گانه خود، به شکل گاو نیز متجلی میشود». (شیر و نقش آن در معتقدات آریایی، ص: ۱۰۸). علاوه بر اینکه بهرام و گاو در این اسطوره دارای سرشت نزع گونه هستند، در فرهنگهای فارسی نیز «آتشکده بهرام را کنایه از برج حمل دانسته‌اند

که بواسطه آن، حمل خانه بهرام است» (در قلمرو ایزد بهرام، ص: ۴۳۵). که با توجه به این تعریف، خانه بهرام بسیار نزدیک به خانه گاو در ماه ثور است که هر دو ماه نماینده دو ماه آغارین بهارند و در این میان، از آنجاییکه بهرام را به عنوان خدای جنگ و ایزد پیروزی می‌شناسیم، بی‌شک او با سایر اجرام فلکی نظیر مشتری که نمادی از شیر است نیز در پیکار است.

نماد ملت‌های کهن

شیر نماد آریایی‌ها و ایرانیان است و گاو نیز به نسبت شیر، در نزد هندیان دارای ارج و قربی بس فراتر از حضور و تاثیر آن در نزد ایرانیان است. هند و ایران، دو قوم کهنی هستند که در آغاز دارای اشتراکات فراوان اسطوره‌ای بودند اما بعدها، با حضور و بروز عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و... به تفکیک اسطوره‌ها و مرزبندی عقاید رسیدند، مانند سرنوشتی که دئوها، مار و در نهایت شیر و گاو دچار آن شدند و مفاهیم اسطوره‌ای که در آغاز از اشتراک برخوردار بودند به تفارقی اینچنین فاحش رسیدند. شیر در اساطیر هندی، «نماد درنده خویی و مخرب یکی از خدایان است» (فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ص: ۳۶) و دشمنی با شیر تا جایی پیش می‌رود که «کشتن شیر، واجب شمرده شده است» (فرهنگ ایران باستان، ص: ۶۹۱). اما با اینهمه، تقابل شیر و گاو، به هیچوجه نشانی از نزاع ملت‌ی میان ایران و هندیان نیست. بلکه به گواه تاریخ، این دو ملت بدلیل اشتراکات فراوان فرهنگی، نزاع و نبردی میهنی با یکدیگر نداشته و ندارند و نقش تقابل شیر و گاو در قالب‌های ایرانی، ارتباطی به جنگ نمادهای اسطوره‌های ملت‌ها ندارد. چنانکه همانطور که پیشتر ارائه شد، گاو یکسره متعلق به هندیان نیست بلکه خود گاو در ردیف اسطوره‌های اصیل ایرانی است.

نزاع نمادهای طبیعت

پهنه گسترده‌ای از سرزمین ایران از دیرباز و حتی با توجه به مرزهای نخستین جغرافیای آن، در بخش خشک و کم آبی واقع شده بود که این خشکی در قلب این سرزمین که با توجه به تغییرات تاریخی و جغرافیایی در ادوار مختلف، از تاراج و تهاجم محفوظ مانده است، بیشتر ملموس است و فلات ایران در حاشیه دریای خزر سرزمینی است خشک و بی آب و چنین است که «از زمانهای پیش از تاریخ بیشترین اسطوره‌ها و نمادها و به تبع آنها نقش و نگارها و آرایه‌ها، بگونه‌ای با آب و باران و کشت و زرع و باروری خاک و رشد گیاهان؛ مرتبط بوده است و در اشکال و صورتهای فلکی و نجومی تا طلسمهای دعای باران و آیینهای بارانخواهی و نمادهای سحر و جادوی طلب باران و بارور کردن ابرها، تجلی یافته است» (جلوه‌های اساطیری و نمادهای نخستین در قالی ایرانی، ص: ۴۱).

در سرزمین خشک ایران، اسطوره‌های آب و باران از اهمیت خاصی برخوردار است و به سبب آن است که این اسطوره‌ها نیز مقهور و در خدمت اسطوره‌های خورشیدند مانند آناهیتا و تیشتر که نسبت به مهر، در مرتبه پایینتری از ارزش و اهمیت قرار دارند و برتری شیر بر گاو نیز برخاسته از اقلیم طبیعی

ایران است که خورشید بر باران چیرگی دارد در حالیکه هیچکدام از این دو موجود بد و اهریمنی نیستند و هر کدام به تعادل، لازمه طبیعتند اما این تقابل در واقع معرفی اقلیم و طبیعت ایران است. پس این نزاع نیکان است و نمایی است ساختگی با هدف معرفی ایران.

بهمین دلیل است که همانطور که گاو با تمام خوبیها و خدمتهایش قربانی میشود، شیر هم با تمام قدرت و سطوت مقهور دست آدمی است و گویا انسان با این کار، بر عجز خود در برابر طبیعت فائق میاید و از این راه بر خورشیدی که حیاتش بدست اوست طعنه پیروزی میزند تا جاییکه شیر با تمام محبوبیت آن در دربارهای ایرانی و حتی استفاده از آن در پرچم ملی، گاه به دست شاه کشته میشود که نشان از تلاش شاه برای فرار از خشکسالی و گرمای بیش از حد است.

پس نزاع شیر و گاو به دور از پیچیدگیهای آیینی و اساطیری در تفسیری ساده، معرف اقلیم و طبیعت ایران است هرچند شیر به تنهایی دارای سمبلهایی مختلف و گاو نیز دارای نمادهای پیچیده‌ای است اما در تصویر نزاع بیشتر دارای بار معنایی ساده و نخستین خود میباشند که در آن شیر نماد خورشید و آتش است و گاو نیز نماد زایایی و باران.

گاو با تمام انتساب آن به آیین زرتشت و شیر نیز به عنوان نماد شاخص آیین مهر، به هیچوجه دارای بارهای معنایی مثبت و منفی نیستند زیرا همانگونه که باران در حد فراوان تعبیری از سیل و مصیبت است، تابش خورشید نیز در بیش از حد ضرورت، نشانی از ممات و خشکسالی است. از اینرو برای برقراری تعادل در طبیعت این دو نماد به دور از هویت آیینی خویش در کسوت اسطوره‌ای خود با یکدیگر به نزاع بر میخیزند چنانکه در طبیعت نیز لازمه باران نبود خورشید است و لازمه تابش نبود ابر.

پس از بهار که روزها طولانیتر است و روز بر شب غلبه دارد، خورشید نیرومندتر از ماه که نماد شب است تصویر میشود و چون گاو نماد زمستان است و با آمدن بهار قربانی میگردد، تمام شرایط لازم را برای حضور مهر و تابستان فراهم میکند که این تحلیل نیز، دلیلی بر چرائی این نزاع است. این نکته نیز حائز اهمیت است که خورشید در آسمان ثابت است و همواره در یک کسوت و هویت، طلوع میکند حال آنکه سرشت ماه دگرگون پذیر است و هر شب به تحلیل میرود و شکل ثابتی ندارد. پس از اینرو، خورشید برتر از ماه است و بالطبع آن، شیر هم نیرومندتر از گاو، تصویر میشود. ماه مثل ابر و باران گاه هست و گاه بسیار ضعیف و ناچیز است و ساعاتی حضور دارند و دگر بار ناپدید میشوند اما در حضور و اندازه خورشید خللی نیست و حضورش همیشگی است.

با تمامی این اوصاف، گفتنی است که نزاع این دو اسطوره، بر اصل تراژدی مرگ و پیروزی استوار نیست چنانکه «در کاوشهای باستان‌شناسی همدان شیر سنگی به دست آمده که به نظر میرسد برای حفاظت معبد آناهیتا (الهه آب و باروری) کار گذاشته شده باشد». (معانی نمادین شیر در هنر ایران، ص: ۱۰۰). که نشان دهنده این نکته است که این دو موجود در نقش نزاع، به دنبال نابودی یکدیگر

نیستند، بلکه هر یک وجود دیگری را لازم دانسته و به آن اذعان دارند چنانکه در این نقش، گاو نشانی از مرگ نیست بلکه زنده اما زخم دار ترسیم میشود چنانکه شیر نیز با توجه به اهمیت آب و باران، گویا خود میداند که حضور دائمیش نیز، زوال او را رقم خواهد زد از اینرو، نگهبان آناهیتا نیز به شمار میرود و به منظور حفظ باران، نگهبان الهه آب است.

گاو در اسطوره‌ها منتسب به آب، باران، ماه، شب و خنکا است از اینرو با آناهیتا بیشتر در پیوند است تا مهر. اما همانطور که آناهید نیز نماد شوم و موهومی نیست بلکه تنها با توجه به وضعیت جغرافیایی ایران، در مرتبه بعدی از مهر قرار دارد که با توجه به غلبه خشکی و خورشید در نجد ایران، نسبت به مهر دارای وظایف و کارکردهای کمتری است که این تحلیل راهگشای این موضوع است که گاو نیز با توجه به همین توجیه، در مرتبه بعدی از شیر قرار دارد و این تقدّم و تأخر نشانی از سرشت اهورایی و یا اهریمنی این موجودات نیست بلکه تنها اشاره‌ای است به نقش و تاثیر آنها در سرزمین ایرانیان.

بیان نتیجه

شیر به عنوان نماد اصیل و فاخر ملی، از اسطوره‌های کهن ایرانی بشمار میرود و در این میان، گاو نیز در نزد ایرانیان، اسطوره‌ای غریب و بیگانه نیست بلکه در مقامی پایینتر از مظاهر مطرح و مهمی چون شیر قرار دارد. گاو در آیین زرتشت دارای احترام بوده و شیر نیز بی‌شک منتسب به آیین مهر است از اینرو میتوان مواردی از نزاع آیینی را در تقابل شیر و گاو، به نظاره نشست اما از آن جایی که هر دو آیین مهرپرستی و زرتشتیگری در نزد ایرانیان دارای اعتبار و محبوبیت است و نیز شواهد بسیاری موجود است که از کارکردهای مثبت و بی‌شمار هر دو اسطوره حکایت دارد، انسان مستأصل شده و نمیداند مهابت و سطوت شیر بستاید یا در مظلومیت گاو، داد سخن دهد و با آن که شیر و گاو هر یک به تنهایی نماد پدیده‌های زیادی میتوانند باشند اما با اینهمه، در بررسی سه جانبه اسطوره‌ای، حماسی و آیینی، این نقش نزاع در قالیهای ایرانی بیشتر براساس ظرفیتهای اسطوره‌ای خود ظاهر میشوند تا کارکردهایی نظیر حماسی، آیینی و حتی در مرتبه بعد، عرفانی. از اینرو، این نزاع علاوه بر طرفداری از اسطوره شیر، به عنوان نماد اصیل ایرانی، نشان از تجاوز شیر از مقام روشنایی و گرمی بخشی خورشید است که برای حفظ تعادل و مهار قدرت شیر، گاو با او به نزاع برمیخیزد اما در هر صورت در سرزمین خشک ایران این گاو است که مقهور خورشید است و مهر و نمادهای آن بر باران، تیشتر، آناهید و حتی گاو، چیرگی دارد که چرایی این نزاع نیز، بیشتر بیانگر تقابل نمادهای ساده و نخستین طبیعت است تا نشاندار شدن آنها توسط پیچیدگیهای رازگونه تقابل و مصاد آیینها.

منابع

کتابها

۱. آفرینش خدایان راز داستانهای اوستایی، عطایی، امید (۱۳۷۶)، تهران، نشر عطایی.
۲. از اسطوره تا تاریخ، بهار، مهرداد (۱۳۷۶)، تهران، نشر چشمه.
۳. اساطیر و فرهنگ ایران، عفیفی، رحیم (۱۳۷۴)، تهران، توس.
۴. اسطوره‌های ایرانی، کرتیس، وستاسرخوش (۱۳۸۱)، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
۵. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌ا... (۱۳۳۳)، تهران، فردوس.
۶. تخت جمشید از نگاهی دیگر، پور عبدا...، حبیب ا... (۱۳۷۷)، شیراز، بنیاد فارس شناسی.
۷. درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، دادور، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا.
۸. شناخت اساطیر ایران، هینلز، جان (۱۳۸۱)، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، چشمه.
۹. شناخت نمونه‌هایی از فرش ایران، ژوله، تورج (۱۳۸۴)، تهران، شرکت سهامی فرش ایران.
۱۰. فرهنگ ایران باستان، پورداود، ابراهیم (۱۳۸۰)، تهران، اساطیر.
۱۱. فرهنگ نمادها، سرلو، خوان دوار دو (۱۳۸۹)، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران، انتشارات دستان.
۱۲. فرهنگ نامه جانوران در ادب فارسی، عبد اللهی، منیژه (۱۳۸۱)، ج ۲، تهران، پژوهنده.
۱۳. فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، هال، جیمز (۱۳۸۰)، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، فرهنگ معاصر.
۱۴. مهره مهر، فرخزاد، پوران (۱۳۸۶)، تهران، انتشارات نگاه.
۱۵. نظریه‌های جامعه‌شناسی، آزاد برمکی، تقی (۱۳۸۱)، تهران، سروش.
۱۶. نمادپردازی، لافورگ، رنه (۱۳۸۷)، ترجمه جلال ستاری، مجموعه مقالات اسطوره و رمز، چ سوم، تهران، سروش.

مقالات

۱. بازخوانی داستان شیر و گاو، محمد زاده اسدا... (۱۳۹۰)، مجله رشد زبان و ادبیات فارسی، ش ۲۹، ۹۶-۲۸.
۲. بررسی تطبیقی داستانهای شیر و گاو در کلیله و دمنه، حسام پور سعید (۱۳۸۸)، مجله شعر پژوهی، ش ۱۰۹-۷۳.
۳. بررسی ساختار تقابل رستم و اسفندیار در شاهنامه، حسینی روح ا... و محمد زاده اسدا... (۱۳۸۵)، پژوهش ادبیات معاصر جهان، ش ۳۱، ۶۴-۴۳.

۴. بررسی تطبیقی نقش گاو در اساطیر و هنر ایران و هند، دادور ابوالقاسم و مبینی مهتاب (۱۳۸۷)، مجله مطالعات ایرانی، ش ۱۴، ۱۳۰-۱۱۵.
۵. بررسی تطبیقی اسطوره گاو در اساطیر ملل مختلف، سجادی راد، سید کریم (۱۳۹۰)، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی، ش ۱۹، ۴۴-۲۹.
۶. بررسی نقش نمادین ترنج در فرش ایران، میرزا امینی، محمد مهدی و بصام، جلال الدین (۱۳۹۰)، گلجام، ش ۱۸، ۳۰-۹.
۷. تجلی نقش مایه شیر در قالیه‌های دوره صفوی، طاهری علیرضا و حسامی وحیده (۱۳۹۰)، پژوهش هنر، ش ۲، ۱۵-۱.
۸. جلوه‌های اساطیری و نمادهای نخستین در قالی ایرانی، پرهام، سیروس (۱۳۷۸)، نشر دانش، ش ۱، ۴۷-۴۰.
۹. در قلمرو ایزد بهرام، یا حقی، محمد جعفر (۱۳۵۷)، جستارهای ادبی، ش ۵۵، ۴۶۱-۴۲۷.
۱۰. شیر و نقش آن در معتقدات آریایی، قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۴۵)، مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۳، ۱۴۲-۹۱.
۱۱. معانی نمادین شیر در هنر ایران، الدوز، خودی (۱۳۸۵)، کتاب ماه هنر، ش ۹۷، ۱۰۵-۹۶.
۱۲. مفاهیم نمادین مهر و ماه در سفالینه‌های پیش از تاریخ، عبد اللهیان، بهناز (۱۳۸۷)، هنر نامه، ش ۲۵، ۳۱-۱۹.